

اسلام سیاسی در ایران پس از انقلاب

چگونه اسلام‌گرایان پیروز انتخابات ایران شدند

دکتر پریسا امیری فرد

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان مرکزی)

www.ketab.ir

چاپ اول



سرشناسه : امری فرد، پریسا، ۱۳۶۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : اسلام سیاسی در ایران پس از انقلاب: (چگونه اسلام‌گرایان پیروز انتخابات ایران شدند) / پریسا امری فرد.
 مشخصات نشر : تهران: قومس، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۴ ص.؛ مصور: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۹۷-۱
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۵۵] - ۱۵۹.
 یادداشت : نمایه.
 عنوان دیگر : چگونه اسلام‌گرایان پیروز انتخابات ایران شدند.
 موضوع : رؤسای جمهور -- ایران -- انتخابات
 Presidents -- Iran -- Election
 رده‌بندی کنگره : JQ ۱۷۸۹
 رده‌بندی دیویی : ۳۲۴/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۷۳۱۴۸

www.ketab.ir



نام کتاب: اسلام سیاسی در ایران پس از انقلاب
 نویسنده: دکتر پریسا امری فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان مرکزی)
 نوبت چاپ: اول
 سال چاپ: ۱۴۰۳
 شمارگان: ۲۰۰
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۹۷-۱
 طراح جلد: محدثه موسوی
 چاپ و صحافی: سعید دانش
 نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین‌تر از لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱.
 تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۴۹۱۰۰۰
 قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان
 www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی)، تکثیر، نسخه‌برداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است.
 (استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مأخذ آزاد است.)

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۸	 دین و حوزه عمومی: تحلیل‌های جاری
۱۰	 دین و فرهنگ
۱۲	 دین و ناخودگاه سیاسی
۱۴	 سوزه و گفتمان
۱۷	 سامان این پژوهش
۱۹	 فصل اول: اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران
۲۰	 بخش اول: تحلیل موقعیت انتخابات
۲۰	 ۱. منازعات سیاسی
۲۲	 ۲. تدوین قانون اساسی: احمل ولایت فقیه
۲۴	 ۳. منازعات فکری
۲۴	 ۳.۱. اسلام‌گرایی فقه‌ای
۲۶	 ۳.۲. نوگرایی دینی
۲۹	 ۳.۳. احزاب و گروه‌های سکولار
۲۹	 ۴. بحران‌های قومی؛ قائله کردستان
۳۱	 ۵. تسخیر سفارت آمریکا
۳۴	 بخش دوم: نظام گفتاری ابوالحسن بنی‌صدر
۳۴	 ۱. مقدمه
۳۴	 ۲. مبانی فکری بنی‌صدر
۳۷	 ۳. دیدگاه‌های اقتصادی بنی‌صدر
۳۸	 ۴. استراتژی‌های تبلیغاتی بنی‌صدر

۳۸	الف) مظلوم نمایی و پرداخت ساده از وقایع
۳۹	ب) ارائه چهره‌ای منتقد و دموکرات
۳۹	ج) ارائه چهره‌ای انقلابی
۴۰	۵. الهیات سیاسی بنی‌صدر
۴۹	بخش سوم: تفسیر داده‌ها
۴۹	گفتار انتخاباتی بنی‌صدر
۴۹	ویژگی‌های گفتار انتخاباتی بنی‌صدر
۵۰	الف) بنی‌صدر به مثابه ایدئولوگ
۵۲	ب) بنی‌صدر به مثابه سیاست‌مداری عمل‌گرا
۵۴	جمع‌بندی

فصل دوم: پنجمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری

۶۰	بخش اول: تحلیل موقعیت انتخابات
۶۱	۱. موازنه نیروهای سیاسی
۶۱	معرفی کاندیدای مشترک از سوی جناح‌های رقیب
۶۲	مواضع جناح راست سنتی / محافظه‌کار
۶۳	مواضع گروه‌های چپ
۶۶	۲. عملکرد دستگاه‌های ایدئولوژیک در همبستگی اجتماعی
۶۸	۳. جنگ و تأثیر آن بر انتخابات
۷۰	۴. مروری بر دوره ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای
۷۳	۵. بازنگری قانون اساسی
۷۶	۱. نظام گفتاری اکبر هاشمی رفسنجانی
۷۶	۱.۱. هاشمی کیست؟
۷۸	۱.۲. محورهای برنامه تبلیغاتی هاشمی
۷۸	۱.۳. مواضع و سیاست‌های هاشمی
۷۹	تحلیل متن
۸۲	۱. قرائت و تفسیر خطیب از اسلام چیست؟
۸۳	۲. در این خطبه‌ها، توجه به مطالب فوق چه وجهی از اسلام مطرح است؟
۸۴	۳. درجه و شدت مفهوم اسلام در متون چگونه تعریف می‌شود؟
۸۵	۴. مخاطب مطلوب گفتار هاشمی کیست؟

۸۷	تحلیل متن دوم
۹۱	بخش دوم: تفسیر داده‌ها
۹۲	جمع‌بندی
۹۶	فصل سوم: هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری
۹۶	تحلیل موقعیت انتخابات
۹۶	۱. بحران مشارکت سیاسی
۱۰۰	۲. تحول در بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه
۱۰۱	۳. منازعات حزبی - سیاسی
۱۰۳	۳.۱. کارگزاران و انتخابات هفتم
۱۰۴	۳.۲. جناح راست سنتی و انتخابات
۱۰۴	۳.۳. جناح چپ و انتخابات
۱۰۷	۴. نظام گفتاری خاتمی
۱۰۷	۴.۱. خاتمی کیست؟
۱۰۸	۴.۲. مبانی فکری خاتمی
۱۱۲	۴.۳. تحلیل متون تبلیغاتی آقای خاتمی
۱۱۲	خاتمی و پیروی از مرزهای گفتار هژمونیک همان انقلاب
۱۱۵	خاتمی و ارائه الگوی گفتاری تازه
۱۱۵	اهمیت وجه مردمی و جمهوریت در حکومت دینی
۱۱۶	تفسیری دموکراتیک از اصل ولایت فقیه
۱۱۷	تولد مفهومی به نام جامعه مدنی
۱۱۸	توسعه سیاسی
۱۱۹	حضور قابل توجه ارزش‌های ملی‌گرایانه
۱۲۰	قانون و ضابطه مبنای عمل در جامعه
۱۲۰	پذیرش تکثر سیاسی
۱۲۱	اهمیت نقد و انتقاد در جامعه
۱۲۲	حقوق شهروندی و کرامت انسانی
۱۲۲	اهمیت اصحاب فرهنگ در گفتار خاتمی
۱۲۳	جایگاه دین در نظام گفتاری خاتمی
۱۲۸	جمع‌بندی

فصل چهارم: نتیجه گیری	۱۲۹
کاربست الگو در دورانی دیگر	۱۳۱
پیوست‌ها	۱۳۹
آراء ابوالحسن بنی‌صدر در باب ولایت فقیه	۱۳۹
مصاحبه اکبر هاشمی رفسنجانی با روزنامه رسالت قبل از انتخابات	۱۴۳
سخنرانی‌های خاتمی پیش از انتخابات	۱۴۷
منابع	۱۵۵
نمایه	۱۶۰

مقدمه

بررسی نقش دین و ارزش‌های دینی در حوزه عمومی یکی از پرجاذبه‌ترین موضوعات پژوهشی در ایران معاصر بوده است. پیچیدگی رابطه‌ی مزبور موجب گردیده تا همچنان زوایای تاریکی از این رابطه نیازمند تحقیق و تأمل بیشتری باشد. وقوع انقلاب اسلامی عملاً مرزهای کشیده شده بین دین و فضای عمومی را شکست و دین و ارزش‌های دینی را به اجرای نقش در صحنه عمل اجتماعی واداشت. در نتیجه دین به‌عنوان یک موضوع واقعی و نه چیزی صرفاً محصور در کتب مقدس، موضوعی جدی در مطالعات دانشگاهی و حاضر در عرصه‌ی عمومی شد. در واقع، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اسلام سیاسی به‌عنوان ایدئولوژی مرکزی نظام سیاسی جدید از موقعیتی مسلط و تقریباً بلامنازع‌ای برخوردار گردید. اما نزاع‌های سیاسی شکل گرفته در سال‌های بعد موجب شکل‌گیری تفسیرهای گوناگون از اسلام سیاسی گردید. از این‌رو طی این سال‌ها ما همواره با برداشت‌های مختلفی از دین مواجه بوده‌ایم.

در این میان، حوزه‌ی عمومی نیز در مواجهه با این قرائت‌ها و گفت‌وگوی با آن‌ها نشان داد که رابطه‌ای متقابل با این خوانش‌ها دارد. دین عملاً با فرهنگ عامه وارد تعامل شد و نمادهای دینی به بخش خودآگاه حوزه عمومی وارد شدند. متناسب با این امر، سازماندهی اجتماعی جدیدی برای توزیع معانی و نمادهای دینی در اجتماعات شکل گرفت. تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا نقش متفاوت و کانونی دین در قالب ایدئولوژی اسلام سیاسی تداوم یابد، که می‌تواند گویای تحولات درونی گفتمان اسلام سیاسی باشد.

ما بر این باوریم که سرشت فقدان‌ها و امیال سرکوب‌شده‌ی اجتماعی نمی‌تواند

اقتناع عمومی و رضایت را در مدت زمان طولانی برنماید، همچنین با توجه به ذات متکثر ذهنیت اجتماعی و بی‌قراری‌ها و منازعه‌های گفتمانی در ایران که هر روز جنبش، تقاضا، منازعه‌ای نوین سر برمی‌آورد به نظر می‌رسد تداوم حیات مذهب در حوزه عمومی با بازاندیشی‌های مداوم همراه بوده است.

به این ترتیب که، تفاسیر دینی همواره در شرایطی ظهور کردند که نظام سیاسی درگیر بحران‌ها و تناقضات گفتمانی شده و منظومه دینی ذیل تفاسیر مختلف و با چرخش کانون گفتمان، توانسته است آنچه را که در ورای بخش خودآگاه جمعی میل به تغییر را ایجاد نموده بود، پاسخ دهد و بالاخره در قالب نوعی گفتمان به جلب رضایت و جهت‌دهی افکار عمومی بپردازد.

هدف ما در این نوشتار عبارت از بررسی اسلام سیاسی و تحولات درونی آن از یک‌سو و شیوه تعامل دین و ارزش‌های دینی با فرهنگ عامه از سوی دیگر است. این رویکرد می‌تواند یاری‌گر بحث‌هایی باشد که در این حوزه، تحلیل آینده اسلام سیاسی در ایران را — تحت عنوان عرفی شدن و یا دینی‌تر شدن جامعه — در دستورکار خود قرار دهد. البته لازم به ذکر است که ما هرگز به دنبال داوری درباب تضاد و یا انطباق این تفاسیر با حقایق مدرج در مجموعه نصوص دینی نیستیم و بررسی تمایزات و تحلیل نسبت حضور عناصر متفاوت نصوص دینی و غیردینی در هر گفتار بدون داوری در مورد صحت و سقم آن‌ها انجام می‌گیرد.

دین و حوزه عمومی: تحلیل‌های جاری

طی سال‌های اخیر مقوله نقش و جایگاه ارزش‌های دینی در نظام اجتماعی موضوع نظریه‌پردازی‌ها و منازعات دامنه‌داری بوده است. وقوع انقلاب در ایران و استقرار حکومت دینی به عنوان مهم‌ترین مصداق نفی و ابطال روند سکولاریزاسیون تعبیر و تفسیر گردید. با استقرار این الگوی دینی در جامعه ایرانی پرسش‌های بسیاری درباب مبانی نظری، الگوی عملی حکومت دینی، کارآمدی دین در اداره امور جامعه و ... ایجاد گردید. در پاسخ به این پرسش‌ها رسالات و تحقیقات بسیاری با عناوینی چون رسالت دین، دین و فرهنگ، دین و ایدئولوژی، دین و ایمان، دین

و سیاست، نهاد دین و دولت، دین و جامعه در دهه‌های اخیر انجام گرفت. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت که پیوند دین و سیاست در ادبیات متعارف سیاسی ایران به دو معنای ذیل قابل تصور است:

در نگاه اول، دین «ناظم» امر سیاسی و سامان‌دهنده رفتارهای فردی و جمعی در جهت مصالح دینی است. این نگاه را می‌توان در قالب تلاش‌های نظری مبتنی بر نوعی الهیات سیاسی نشان داد که بر مبنای آن روابط و مناسبات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی لزوماً بایستی با توجه به آموزه‌های دینی به‌طور عام و قوانین و اصول شریعت به‌طور خاص سامان یابند.

در ذیل این نگاه می‌توان به آراء آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی اشاره داشت. در نگاه وی همه حقوق از خداوند سرچشمه می‌گیرد و سایر حقوق در بر تو حق خداوند به اثبات می‌رسد. وی با رد پلورالیسم و رویکردهای تفسیری، بر تأسیسی بودن نظریه سیاسی اسلام، جامعیت دین، ناتوانی عقل، ابتدای حکومت بر مبنای شریعت تأکید می‌نماید.

اما نگاه دوم، دین را «ناظر» بر امر سیاسی و متوجه نظارت اخلاقی بر امر سیاست‌ورزی می‌داند. در زمینه بحث منکرول گروهی بر این باورند که تجربه نظام دینی طی سه دهه اخیر، اعتبار ارزش‌های دینی تولید شده توسط اسلام سیاسی را به کلی زائل کرده و جامعه ایرانی آماده پذیرش یک جامعه کاملاً سکولار می‌باشد.

آثار آقای عبدالکریم سروش، بازنمای تلاش‌های نظری - جامعه‌شناختی است که برای فهم و معرفی چالش‌های دین و مدرنیته و فرآیند سکولار شدن جامعه ایرانی صورت گرفته است. آقای سعید حجاریان هم در تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی خود، با تقویت تجربه‌های زیسته‌ی خود با مطالعات نظری، پارادوکس حکومت دینی در دنیای مدرن را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه حکومت دینی سبب شده است تا دین و جامعه، عقلانی‌تر و در نتیجه سکولارتر شود.

این رویکردها پیرامون جایگاه ارزش‌های دینی در حوزه عمومی به رفتارها و یا رخداد‌های پرحادثه‌ای منجر شده است. ذیل این دو نوع رویکرد، این سؤال

مطرح است که چرخش‌های گفتمانی اسلام سیاسی ذیل الگوی بسیج سیاسی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران تابع چه الگوهای کلانی بوده است؟ فرضیه ما اکتشافی است، اما نگرش تئوریک ما در این بحث به شرح ذیل است:

دین و فرهنگ

نگرش ما در این پژوهش مبتنی بر رویکردی فرهنگی است. رویکرد فرهنگ‌گرا این امکان را فراهم می‌آورد که با محور قرار دادن معنا، معنا نه به‌منابه امری ذهنی بلکه به‌عنوان آن‌چه در سرشت بازنمایی‌های اجتماعی حک شده است، مورد بررسی قرار گیرد. این بازنمایی‌ها از طریق معنابخشی به کل هستی و ارائه الگوهای خاصی برای تعامل، زندگی اجتماعی را شکل می‌بخشد. ذیل این نگاه علی‌رغم اهمیت نمادها و کنش‌های نمادین در نظام‌های دینی، به ارتباط میان نمادها و کنش‌های نمادین با ساختارهای اجتماعی توجهی نمی‌شود؛ بلکه آن‌چه اهمیت دارد عبارت است از این‌که چگونه این نظام‌ها، حیاتی خودمختار و مستقل دارند و نظامی زبان‌واره را تشکیل می‌دهند.

این نگاه، کانون تأکید و تمرکز را از آن‌چه ممکن است که به‌عنوان واقعیت اجتماعی در قالب یک نماد بازنمایی شود به تمرکز بر معنای آن نماد و آن‌چه از آن (در بافت کلی نمادینی که نماد موردنظر جزئی از آن است) افاده می‌شود، منتقل می‌کند. در این نگاه، نمادها در ارتباط با نهادهای اجتماعی و گروه‌های انسانی توضیح داده نمی‌شوند، بلکه «فرهنگ» به‌عنوان مقدم‌ترین سطح از معنا، ارزش‌ها، و نگرش‌هایی تفسیر می‌شود که به شکلی مؤثر در کار شکل بخشی به سازمان‌های اجتماعی است. در این نگاه نه تنها نمی‌توان فرهنگ را به بازتاب سازمان‌های اجتماعی تقلیل داد، بلکه باید سازمان‌های اجتماعی را در قیاس با فرهنگ، امری ثانوی و تبعی تلقی کرد. فرهنگ به‌عنوان نظام مقدم و اصلی تعریف و چندان خود-مدار فرض می‌شود که بتواند مستقل از ساخت اجتماعی تحلیل شود. با وجود این، عملاً چنین تصور می‌شود که نظام‌های فرهنگی به‌طور مداوم و از طرق پیچیده با ساختار اجتماعی در تعامل اند. نظام‌های فرهنگی و اجتماعی

آشکارا یک کل را می‌سازند و برای مطالعه این کل، مجموعه‌ای متنوع از روش‌ها پیشنهاد شده است تا بدون تقلیل امور فرهنگی و اجتماعی به یکدیگر بتوان آن‌ها و رابطه‌شان را تحلیل کرد. از این منظر، نظریه‌های متنوعی ارائه شده‌اند که بر این دلالت دارند که چگونه آیین‌ها، ابزاری برای برقراری تعامل نظام‌های فرهنگی و اجتماعی می‌شود.

یکی از زمینه‌های رویکرد فرهنگ‌گرایی برقراری تشابه میان زبان و فعالیت‌های فرهنگی و در نگاه کلی‌تر، تشبیه فرهنگ به متن است. این رویکرد در مقابل رویکرد پوزیتیویستی مطرح می‌شود. از منظر پوزیتیویستی، دین در یکی از هیأت‌های زیر دیده می‌شده است: آرمانی رو به اضمحلال که دسته کوچکی از جامعه متکثر صنعتی بدان پایبند هستند، یا پدیده‌ای که می‌توان آن را به سهولت با شاخص‌هایی کمی مثل اعلام میزان اعتقاد پاسخگو به کلیسا، پایبندی او برای رفتن به کلیسا و دفعات آن، داشتن نگرش‌های سنتی و مانند این‌ها سنجید.

در دیدگاه‌های محافظه‌کار، گفتمان دینی بخشی از اخلاق جامعه و ابزاری مؤثر برای همبستگی اجتماعی تعریف می‌شود، در نزد مارکسیست‌ها و متفکران انتقادی، دین به عنوان روبنای ایدئولوژیک که باید جای خود را به ایدئولوژی دیگری بسپارد، معرفی شد. وایت (White, 1997: 38) معتقد است که پروژه سیاسی - اقتصادی روشنگری، دین را به عنوان بنیادی برای وفاق جمعی به رسمیت نشناخت، اما در همان حال کوشید تا از آن به عنوان ابزاری برای تقویت فرآیند صنعتی شدن استفاده کند. وی می‌افزاید: «نظریه‌های اجتماعی دین نیز به طور تمام عیار از همین روبه پیروی کردند.»

اما در حاشیه این جریانات فکری به تدریج نحله‌ای دیگر مطرح شد؛ برخی از دانشمندان با نفی رویکرد کارکردگرایانه به دین، آن را جنبه‌ای ذاتی از زندگی بشر و همچون فرآیند جست‌وجوی پاسخ به پرسش از معنای زندگی تعریف کردند. «پیتر برگردین را به عنوان فعالیتی فرهنگی تعریف کرد که بین جزایر معنا، پل می‌زند (Peter Berger, 1967: 25) و «گیرتز» دین را همچون نظامی فرهنگی می‌بیند که نقشی حیاتی در تعیین شیوه‌های تلفیق نمادهای بنیادین و آیین‌های مشترک

در جوامع ایفا می‌کند (Clifford Geertz, 1973: 89). کوتاه سخن آن که مطالعات متأخر دین به این سمت گرایش دارند که برخلاف دیدگاه‌های متقدم، گفتمان دینی را نه سازه‌ای شکل گرفته تحت تأثیر جامعه، بلکه نظامی معنادار تلقی کنند که با استفاده از نمادها واقعیت‌ها را معنا می‌بخشد. این نمادها «تبلورات عینی‌ای از آرمان‌ها، نگرش‌ها، داورى‌ها، تمناها، و عقاید» تلقی می‌شوند (Geertz, 1973: 91). این نمادها در متن ناخودآگاه سیاسی معنایی می‌شوند و در چرخش‌های گفتمانی همواره دال تهی را با مدلولی دیگر پر می‌سازند. بحث ناخودآگاه سیاسی و چرخش‌های گفتمانی دو مبحثی هستند که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرند.

دین و ناخودآگاه سیاسی

مفهوم ناخودآگاه در کاربردهای اولیه برای توضیح برخی گونه‌های رفتاری که بدون آگاهی، به‌طور غیرارادی و با هدف رفع نیازهای خاصی از فرد سر می‌زد، به کار گرفته شد. «زیگموند فروید» واضح این مفهوم بود. (اجلالی، ۱۱۱) ناخودآگاه یا نیمه خودآگاه، منشاء تمام امیال و آرزوهای پدوی ماست. نمادها پیام‌هایی از ناخودآگاه ما هستند. این نمادها اغلب دوسویه هستند و بسته به زاویه‌ی نگرش ما می‌توانند به انحای گوناگون تعبیر شوند. نمادها به سه گروه قراردادی، تصادفی و عام طبقه‌بندی می‌شوند. مفهوم ناخودآگاه در اندیشه فروید جنبه فردی داشت و در تحلیل‌های اجتماعی به کار گرفته نمی‌شد.

پس از فروید، این مفهوم توسط «کارل یونگ» و «ژاک لاکان» وجهی اجتماعی و زبان‌شناختی یافت. در اندیشه یونگ مفهوم ناخودآگاه جمعی در واقع، به کهن الگوهای دیرینه و یا صورت‌های مثالی موروثی در ضمیر ناخودآگاه که موجب شکل‌گیری گونه‌ای ناخودآگاه مشترک می‌شوند، اشاره می‌کند. یونگ بر این باور است که دین با درونه‌های ناخودآگاه جمعی در ارتباط مستقیمی قرار دارد؛ وی نمادها را محصول تلفیقی ساختار اولیه و اصلی روان و بقایای تجربه مکرر و پیوسته بشر یعنی زاده آن دسته از محرک‌های طبیعی و اجتماعی می‌داند که در پشت خود اثرات اسطوره‌شناختی مشخصی را در روان به جای می‌گذرانند. هر

موقعیت تکرارشونده‌ای، به ویژه اگر موجب واکنش هیجانی شدیدی شود، نقش کهن الگوها را احیا می‌نماید. (اوداینیک، ۱۳۷۹: ۳۱) بسیج سیاسی در موقعیتی است که می‌تواند موجب واکنش هیجانی و احیای نقش کهن الگوها گردد. احیای نقش کهن الگوها در ناخودآگاه جمعی را می‌توان با تکیه بر آراء لاکان به‌طور دقیق‌تری توضیح داد. مفهوم ناخودآگاه جمعی که بن‌مایه بحث ناخودآگاه سیاسی است، در نظریات لاکان از تعبیر و وجوه ساده‌انگارانه‌اش در توضیح واقعیت اجتماعی و تمایز مختصات نظام ادراک اجتماعی تهی گشت. لاکان ادعا می‌کند ضمیر ناخودآگاه ثمره ساختارمند شدن میل توسط زبان است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۲۹) لاکان سه عرصه یا سه فضای مفهومی متفاوت را برای عملکرد روان فرد مشخص کرد. نخستین آن‌ها قلمرو خیالی است که به این دلیل چنین نام گرفته است که تصاویر در آن جاری‌اند. این نخستین مرحله رشد است؛ مرحله‌ای که کودک (۶ تا ۱۸ ماهگی) تصویر خود را در آینه تشخیص می‌دهد و در سراسر زندگی به صورت بخشی از آگاهی فرد باقی می‌ماند. مرحله خیالی، پیکربندی چندشکلی‌ای از فانتزی‌ها و تصاویر است که هنوز نظام نمادین زبان به آن ساختار نبخشیده است. فهم زبان معرف نظم نمادین است. در این مرحله خود رشد می‌کند و همچون یک زبان، بر طبق اصول نشانه‌شناختی تحلیل‌های ساختارگرا، یعنی از طریق تفاوت و اختیاری بودن روابط نشانه‌شناختی ساختار می‌یابد. امر نمادین از نظر لاکان بر سازنده بخش مهمی از آن چیزی است که معمولاً واقعیت می‌نامیم. امر نمادین، چارچوب غیرشخصی جامعه است، عرصه‌ای است که در آن ما جایگاه خود را به‌عنوان عضوی از جماعتی متشکل از انسان‌های هم‌نوع را به دست می‌آوریم... ما در عین حال زندانی امر نمادین هستیم. (رابرتس، ۱۳۸۶: ۹۰)

آخرین اصطلاح این سه گانه، یعنی امر واقعی، چیزی است که عنوانش می‌گوید: واقعیت بیرون از آگاهی سوژه. از نظر لاکان، زندگی واقعی یا جهان واقعی هرگز فهمیده نمی‌شود، به این دلیل که عمل ادراک، واقعیت را از صافی آگاهی می‌گذراند و از این طریق امر واقعی وارد منطق روانی تخیلی و نمادین می‌شود. پس امر واقعی، بیرون از نمادپردازی، بیرون از زبان قرار دارد و در واقع حتی در مقابل

نمادپردازی مقاومت می‌کند. امر واقعی همواره روایت می‌شود. روایت یک شیوه اساسی از میانجی‌گری میان فرد و جامعه و همچنین میان ازهم‌گسیختگی آشکار جامعه و کلیت واقعی زیربنای آن است. روایت جایگاهی در داستان است که به مستقیم‌ترین شکل ممکن کلیت (به هم پیوستگی) ناخودآگاه زندگی واقعی را بیان می‌کند. روایت، شکل‌های داستانی در میانجی‌گری تجربه فردی و کلیت اجتماعی نقش بارزی ایفا می‌کنند، طبق فرآیندی این امر صورت می‌گیرد که وی آن را تبدیل رمز می‌نامد؛ یعنی ترجمه واقعیت تاریخی و اجتماعی به رمزی پذیرفته شده (که شامل انتظارات و الگوهای معین روایی است) و قرار دادن این واقعیت در دسترس فرد. (رابرتس، ۱۰۸)

در بازی زبانی تبلیغات، متون تبلیغاتی افزون بر ارتباط میان پیام‌دهنده و مخاطب، ارتباطی هم با ناخودآگاه اجتماعی برقرار می‌کند. به‌طوری که بخش عمده‌ای از آنچه دریافت می‌شود عمدتاً به راحتی قابل مشاهده نیست و تحلیل متون از حیث تحلیل این پوشیدگی و شناخت ذهنیت اجتماعی اهمیت دارد. در این بحث، دین پیام‌ها را می‌سازد و رسانه‌ناقل پیام‌ها به سوی مخاطب است. در تحلیل بنیادهای نظام ادراک اجتماعی و تعیین نقش ارزش‌های دینی، برای تبیین تغییرات و شکل‌گیری تفاسیر دینی، بحث‌های نظری مربوط به گفتمان را پی می‌گیریم. اما باید به این نکته اساسی توجه داشت که ارتباط بحث گفتمان با زمینه‌های اجتماعی به‌خصوص ناخودآگاه سیاسی دارای اهمیت کلیدی است. حلقه ارتباطی میان ناخودآگاه و گفتمان عمل سیاسی انتخابات است که به‌عنوان پراتیک سوژه در بستر نظام مفهومی شکل گرفته در درون فرهنگ انضمامی می‌گردد و صورت‌بندی‌های گفتمانی مواد لازم برای کنش‌گری سیاسی را ارائه می‌دهند.

سوژه و گفتمان

گفتمان را مرآده کلامی، بده‌بستانی بین گوینده شنونده، باز نمود یک صدا در دل متن و یا مجموعه‌ای درهم‌تیده از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن می‌دانند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷) روش تحلیل گفتمان عمدتاً به بررسی راه‌هایی می‌پردازد

که در آن ساختارهای معانی نحوه خاصی از عمل را ممکن می‌سازد. برای این کار تحلیل‌گر سعی در درک چگونگی تولید، کارکرد و تحول گفتمان‌هایی می‌کند که فعالیت‌های کارگزاران اجتماعی را ساخت می‌دهند. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸: ۱۹۶)

نگرش‌های گفتمانی متعددی در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی وجود دارد، ولی در این تحقیق از روش انتقادی «نورمن فرکلاف» که بیشترین همسویی نظری را با مفاهیم دیگر این تحقیق از جمله سیاست و قدرت داشته، استفاده شده است. رویکردهای غیرانتقادی در زبان‌شناسی، به نبین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی اعمال گفتمانی و یا تأثیرات اجتماعی آن‌ها توجه نداشته و صرفاً به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد اعمال گفتمانی بسنده می‌کند. اما تحلیل انتقادی گفتمان در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، بازتولید اجتماعی ایدئولوژی زور، قدرت و سلطه و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنش‌گران هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد. (فرکلاف، ۱۳۷۸: ۱۲) و به تحلیل شرایط امکان یک رفتار اجتماعی می‌پردازد.

برای بررسی این روابط، فرکلاف تحلیل خود را نه بر گزاره بلکه بر روی سخنرانی، خطابه، گفت‌وگو قرار می‌دهد. در تحلیل وی؛

الف) متن در درجه اول دارای کلیتی است که خود بدان وابسته است. در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده بلکه کلینی را می‌سازند که بدان متن یا گفتمان می‌گویند.

ب) متن گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرآیند تولید متن و هم در فرآیند تفسیر مؤثرند... فرآیند تولید و تفسیر با هم دارای کنش متقابل و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌سازند.

ج) یک متن علاوه بر بافت متن و فرآیند تفسیر و تولید متن شدیداً متأثر از شرایط اجتماعی است که متن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی

تأثیر بسیار بیشتری نسبت به بافت متن و فرآیند تولید و تفسیر آن دارد. (تاجیک، ۱۳۷۸: ۵۵)

در مدل فرکلاف، تحلیل متن در واقع تحلیل ساختمانی زبانی و ویژگی‌های صوری متن است که شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله است. تحلیل متن همان مرحله توصیف در فرآیند تحلیل گفتمان انتقادی است. ما در تحلیل متون همچون زبان برخورد می‌کنیم که در آن روابط میان چیزها از خود چیزها مهم‌تر است، و به قول «جانانان کالر» این نظر که زبان‌شناسی به‌کار مطالعه‌ی سایر پدیده‌های فرهنگی می‌آید بر دو برداشت استوار است: نخست این‌که پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی صرفاً اشیاء یا رویدادهای مادی نیستند بلکه اشیاء یا رویدادهایی معنادار هستند و نتیجتاً می‌توان آن‌ها را نشانه یا علامت به حساب آورد. دوم این‌که این پدیده‌ها قائم به ذات نیستند بلکه با شبکه‌ای از روابط تعریف می‌شوند.

جهت تعیین نقش دین و ارزش‌های دینی در بسیج افکار عمومی ذیل این شاخص‌ها، پژوهش حاضر شکل می‌گیرد:

۱. آیا اسلام محوریت دارد؟

۲. اگر اسلام محوریت دارد چه وجهی از اسلام مطرح است: شریعت، فلسفه،

عرفان و...

۳. اگر اسلام محوریت ندارد، اسلام با محور متن چه رابطه‌ای دارد؟

۴. شدت و میزان حضور مفاهیم اسلامی تا چه اندازه است؟

۵. استناد به نصوص دینی، آیات، روایات، اسطوره‌ها و شخصیت‌های دینی چگونه است؟

۶. سبک متن اعم از خطابه و یا سخنرانی علمی، بررسی وجوه ادراکی و تحریکی متن

۷. و بالاخره ارائه تصویر به مخاطب خود تحت عنوان نمونه ایده‌آل و مای جمعی چگونه است؟

مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

در هر دوره نقش دین و ارزش‌های دینی به‌عنوان ایدئولوژی یا دین به‌مثابه نهادی اجتماعی در صورت‌بندی هر دوره با توجه به فرآیندهای سیاسی، معادلات قدرت، منطق موقعیت در سامان‌دهی هویت‌ها، جهت‌دهی به افکار عمومی نقشی حاشیه‌ای یا کانونی را اختیار کرده است. بنابراین وجود هر صورت‌بندی در گفتارهای فوق‌الذکر تصادفی و امکانی است و از مکانیزم پیچیده‌ای تبعیت می‌کند.

سامان این پژوهش

با تکیه بر مباحث فوق، اینک می‌توانیم به‌طور ملموس‌تر و دقیق‌تر از فصل‌بندی‌های این کتاب سخن بگوییم.

این کتاب از چهار فصل تشکیل شده است:

فصل اول: بر اولین انتخابات ریاست‌جمهوری متمرکز است. در این فصل توصیف صحنه تبلیغات ریاست‌جمهوری، بررسی متون تبلیغاتی آقای ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان کاندیدای بی‌روز انتخابات و تفسیر داده‌های مذکور بر مبنای تعیین جایگاه ارزش‌های دینی هر سه بخش انجام می‌گیرد.

فصل دوم: بر متون تبلیغاتی آقای اکبر هاشمی رفسنجانی منتخب دور پنجم انتخابات متمرکز است. به‌روال فصل پیشین بخش‌های سه‌گانه در این فصل نیز پیگیری می‌شوند.

فصل سوم: تحلیل هفتمین دور انتخابات ریاست‌جمهوری و پیروزی آقای خاتمی را هدف قرار داده است. در این فصل نیز نظام گفتاری آقای خاتمی منتخب دوره هفتم مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در فصل چهارم: به تفسیر گفتارهای سه دوره انتخابات بر اساس مطالعه جایگاه ارزش‌های دینی و ارائه مدلی از تحولات درونی منظومه معنایی دین در سال‌های پس از انقلاب می‌پردازیم.